

## قفقاز: کانون تضادها و برخوردها

داشت. همه این کشورها قبل و مدتی کوتاه بعد از سال ۱۹۱۸ کشورهای مستقل بودند و برخلاف سرزمین‌هایی نظیر ملداوی که ساخته و پرداخته حکومت شوراهای بودند هویت فرهنگی خاص خود را داشتند، اما پس از آن‌که سه جمهوری بالتیک بعد از سقوط اتحاد شوروی به دامان اروپا بازگشتند، سه کشور قفقاز در گرداب جنگ‌های محلی خونینی که یک دهه ادامه یافت فرو رفتند و گرفتار حکومت‌های نامردمی، انزوا، بی‌اقتداری و ضعف شدند. در گرجستان یک حکومت ملی‌گرای عاری از منطق و اندیشه حاکمیت را به دست گرفت و جدایی خواهان

دوستی را بزرگترین دشمنی است. روسیه چنگال آهنین خود را بر مرزهای جنوبی خود می‌فشارد. روابط ایران با آذربایجان سرد است و گرجستان به ارمنستان چنگ و دندان نشان می‌دهد. حتی زمانی که روابط سیاسی میان دو کشور منطقه، مثلاً گرجستان و آذربایجان، خوب است روابط فیزیکی همچنان نابسامان است. راه‌های ارتباطی ناهموار و باریک و راه‌آهن‌ها کندرو و قطارها فرسوده و زهوار در رفته است. ادارات گمرک در سرتاسر کشورهای منطقه مترصد ربودن وقت و پول مسافران هستند، تنها راه آسان دسترسی به خارج از منطقه، پرواز میان مسکو و استانبول است.

این اوضاع به صورتی حیرت‌آور مایوس‌کننده است. پس از آزاد شدن سه جمهوری بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) به نظر می‌رسید سه جمهوری قفقاز (گرجستان، آذربایجان و ارمنستان) پس از راهی از چنگال شوروی سابق بهترین فرصت‌ها را برای پیشرفت و رفاه ملت‌هایشان به دست آورده‌اند، گرجستان مناسب‌ترین بازار جمهوری شوروی از نظر جلب توریست و تولید شراب بود. ارمنستان از تکنولوژی پیشرفته و معادن غنی برخوردار بود و آذربایجان نفت و کشاورزی و حمایت ترکیه را در پشت سر

در منطقه قفقاز بالغ بر سه هزار کیلومتر مرزهای بین‌المللی وجود دارد که شاید تنها در باریکه‌ای به طول ۹ کیلومتر از این مرزها، یعنی مرز نخجوان - آذربایجان و ترکیه روابطی دوستانه میان ساکنانش برقرار است. میان این دو کشور به دلیل اشتراکات زبانی، سیاسی و نیز نظامی فزاینده تا این لحظه تفاهم برقرار بوده است. یک مشاور پیشین رئیس‌جمهوری آذربایجان حتی پیشنهاد کرده که یک کنفدراسیون میان آذربایجان و ترکیه تشکیل شود تا آذربایجان امکان یابد از طریق آن راهی به سوی منطقه نفوذ پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و در نهایت به اتحادیه اروپا پیدا کند.

لزوم چنین نزدیکی‌هایی، صرفنظر از حاکمیت‌های رسمی در همه جای قفقاز به چشم می‌خورد، هم میان سه جمهوری سابق شوروی یعنی گرجستان، ارمنستان و آذربایجان و هم در رابطه با همسایگان‌شان، یعنی روسیه، ترکیه و ایران. زبان روسی زبان مشترک میان بیشترین سرزمین‌های قفقاز است و از آن گذشته میراث‌های مشترک فرهنگی (مسیحیت، پارسی، عثمانی و شوروی) و مسایل اقتصادی و فرصت‌های مشترک از جمله عناصر موجود در درون فرهنگ‌های منطقه است. قفقاز می‌تواند مطلوب‌ترین راه ترانزیت میان شرق و غرب، شمال و جنوب برای مبادله پول، کالا، مردم و اندیشه‌ها باشد. از نظر شرکت‌های نفتی، قفقاز راهی است به خارج برای صدور نفت و گاز منطقه دریای خزر. ذخایر ثابت شده نفت در این منطقه ۱۸ میلیارد بشکه نفت و ۳۸ میلیارد بشکه گاز مایع است که برابر مجموع ذخایر ایالات متحده و دریای شمال است. این ارقام با اکتشافات تازه در قزاقستان می‌تواند از این هم بسیار هنگفت‌تر باشد.

اما اکثر مرزها در قفقاز به جای اتحاد، به کلی از هم گسسته است. ارمنستان و آذربایجان از نظر فنی همچنان در شرایط جنگی بسر می‌برند. ترکیه به دلایل کینه‌های دیرینه همه راه‌های

### مؤسسه فرهنگی آموزشی



### زبان سارا



نماینده انحصاری دانشگاه آکسفورد (OUP) و مرکز آموزش و آزمون‌های انجمن بازرگانی لندن (LCCI)

آمادگی دهد تا جهت ارائه خدمات ذیل اعلام می‌دارد:

- دوره مهارتی کاربردی مترجمی زبان انگلیسی با مدرک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کلاس‌های مکالمه ۱، ۲ و ۳ روز در هفته
- کلاس‌های مکالمه گرامر ۳ روز در هفته
- کلاس‌های مکالمه زبان فرانسه ۳ روز در هفته
- کلاس‌های تک‌جلسه موضوعی زبان انگلیسی
- دوره‌های آموزشی - تشریحی نیمه‌روزه و یک‌روزه به زبان انگلیسی
- کلاس‌های تلفظ و آویشناسی زبان انگلیسی
- برگزارکننده انحصاری آزمون ELSA و سایر آزمون‌های انجمن بازرگانی لندن LCCI با اعطای دیپلم رسمی از انگلستان (معتبر در ۸۰ کشور جهان و مورد قبول بیشتر دانشگاه‌های اروپا)
- عرضه‌کننده جدیدترین کتب، نوار و فیلم‌های آموزشی از دانشگاه آکسفورد
- تنها سازنده لابراتوارهای کامپیوتری و الکترونیکی زبان به تأییدیه سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران و تنها صادرکننده سیستم لابراتوار زبان به خارج از کشور

دفتر مرکزی: تهران، خ انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۲۷

تلفن: ۶۴۴۶۸۲۰۵ - ۶۴۴۶۲۶۱۲ - ۶۴۰۱۲۳۷ - ۶۴۰۱۲۳۷ - ۶۴۴۱۷۱۱۹ - فاکس: ۶۴۴۲۱۵۲

Email: zabansara@ravan.com

حمایت شده از سوی روسیه در آبخازی و اوستیای جنوبی دست به دو جنگ خونین زدند. ارمنستان جنگی را بر «سرنآگورنو - قره‌باغ» با آذربایجان آغاز کرد که در آن موفقیت‌هایی کسب کرد. ثروت‌های ناشی از صنایع نفت در آذربایجان بدون آن‌که برای رفاه و سعادت ملت به کار گرفته شود به جیب سرآمدان حاکم بر کشور سرازیر شد و استانداردهای زندگی در سرتاسر منطقه راه سقوط در پیش گرفت. رقت‌انگیزترین نمونه این نابسامانی در آبخازی دیده شده که روزگاری قبیله توریستی روس‌ها و کوت داوزور (ساحل آبی) قفقاز نامیده می‌شد. این کشور امروز یکی از افسرده‌ترین و نابسامان‌ترین سرزمین‌های آسیایی - اروپایی قفقاز است. «سوخومی» مرکز حکومت خود خوانده آبخازی هنوز با شبکه جهانی اینترنت ارتباط ندارد. در آن از تلفن همراه خبری نیست و هیچ نوع هتل و اقامتگاه برای بیتوته مسافران در آن وجود ندارد. در جنگ داخلی در سال ۱۹۹۲، تنها در یک روز کلیه ساختمان‌ها و مراکز فرهنگی آن با خاک یکسان شد و تا به امروز هیچ کس در صدد برنیامده است این مراکز و سایر ویرانی‌های ناشی از جنگ را در این شهر اشباح بازسازی کند. در این شهر هیچ شغلی وجود ندارد، پولی در دست مردم نیست، هیچ امیدی به آینده وجود ندارد و بنابراین هیچ تلاشی برای بازسازی اجتماعی و اقتصادی کشور انجام نمی‌شود. فرودگاه شهر انباشته از باقی‌مانده هواپیماهای ساقط شده‌ای است که هیچ‌کس در صدد پاکسازی آن نیست.

حاکمان آبخازی با حمایت روسیه بر این سرزمین حکم می‌رانند. بدون حمایت نظامی روسیه، آبخازی که یک پنجم جمعیت گرجستان را در خود داشت نمی‌توانست در جنگ‌های داخلی با ارتش گرجستان موفقیتی کسب کند. امروز جز حاکمان آبخازی و مأموران امنیتی که از زندگی مرفهی برخوردارند هرکس بتواند، چه به صورت آواره به گرجستان و چه به صورت مهاجر اقتصادی به روسیه پناهنده می‌شود. به زودی حاکمان آبخازی شاهد آن خواهند بود که جز سالمندان، بیماران، از کارافتادگان، اوباش و یا دائم‌الخمرها کسی در پایتخت باقی نمانده است.

### فرصت‌طلبی روس‌ها

آبخازی تنها نمونه‌ای است از اوضاع

وحشت‌آفرین در قفقاز. سایر نقاط قفقاز نیز وضعیتی مطلوب‌تر و حاکمانی بهتر از آبخازی ندارند. اوستیای جنوبی که آن نیز زیر نفوذ روسیه است به زحمت از راه‌های غیرقانونی و قاچاق پولی به دست می‌آورد. گرچه انزوای کمتری نسبت به آبخازی دارد ولی به همان اندازه با فقر دست به گریبان است. ناگورنو - قره‌باغ تا حدودی ثروتمندتر است و آن هم به این دلیل است که ارمنستان از آن حمایت اقتصادی می‌کند. موفقیت‌های نظامی هیچ تأثیری بر سطح رفاه مردم نداشته است. در حقیقت اشغال ناگورنو - قره‌باغ به وسیله ارمنستان عملاً قفقاز را به دو نیمه تقسیم کرده است.



از جمعیت خود را به دلیل مهاجرت ساکنانشان از دست داده‌اند. یک تحلیل‌گر گرجی می‌گوید همه عناصر مثبت جامعه نظیر احترام به اقلیت‌ها، صداقت، اطاعت از قانون و بهداشت و پاکیزگی در قفقاز به خطر افتاده است.

مدت‌ها است که راه حل‌هایی برای سامان بخشیدن به این اوضاع پیشنهاد شده است. مرکز مطالعات سیاست‌های اروپایی، مستقر در بروکسل، طرحی ارائه داده که براساس آن باید جامعه قفقاز جنوبی تشکیل شود و شالوده آن بر (مدل‌های اروپای مدرن و حاکمیت‌های مشترک، استقلال و ساختارهای چندگانه حکومتی) استوار باشد. تشکیل این جامعه بدان

معنی است که مثلاً اعضای آن می‌توانند گذرنامه مشترک برای سفر به سه کشور قفقاز را داشته باشند، از پول مشترک استفاده کنند و معاهده‌ای امنیتی که مورد حمایت قدرت‌های بزرگ خارجی باشد برای آنها تدوین شود.

عکس‌العمل

نسبت به چنین طرحی تاکنون سرد بوده است. آذربایجان و گرجستان از طرف‌های درگیر و پیروز خود می‌خواهند پیش از آن‌که با آنها دوست باشند، تسلیم نظریات آنها شوند و از موفقیت‌های نظامی خود چشم‌پوشند.

استقرار صلح در قفقاز تاکنون پیشرفتی اندک داشته است. خوشایندترین اخبار واصله از منطقه این است که در درگیری‌های منطقه‌ای سالانه تعدادی کشته می‌شوند. رهبران سیاسی

دلمشغولی‌های سیاسی و نظامی در قفقاز به یک فاجعه می‌ماند. خدمات بهداشتی به کلی از میان رفته است، برای مثال بیماری سل در همه زندان‌های آذربایجان به جان زندانیان افتاده است. دیپلمات‌های غربی برآورد می‌کنند که دو میلیون از آرامنه ارمنستان که معادل نیمی از جمعیت این کشور است، از آغاز استقلال آن تاکنون مهاجرت کرده‌اند. بنابه همین برآوردها، گرجستان و آذربایجان هر یک حدود یک پنجم

با یکدیگر به گفتگو می‌نشینند، رؤسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان معمولاً ملاقات و بحث می‌کنند ولی مشکلات به روابط رهبران محدود نمی‌شود. صدها هزار آواره در گرجستان و ارمنستان رهبران تجزیه‌طلبان را که آنها را از کاشانه‌های خود رانده و آواره کرده‌اند خائن و جنایتکار، و نه طرف‌های مذاکره صلح، توصیف می‌کنند. طرف‌های پیروز نیز معتقدند تنها کسب استقلال می‌توانست آنها را از نابود شدن به دست همسایگان نجات دهد. در هیچ یک از تحولات قفقاز آراء مردم و نظرسنجی از آنها جایی ندارد. شاید اگر چنین پدیده‌ای وجود داشت رهبران قفقاز با خردمندی و آگاهی بیشتر مشکلاتشان را تجزیه و تحلیل می‌کردند. مردم قفقاز که به بی‌اعتنایی حکومت‌ها به نظریات خود آگاهی دارند معمولاً بی‌تفاوت می‌شوند و موقتاً خود را با شرایط تطبیق می‌دهند. مثلاً در آبخازی که فقر و نابسامانی به اوج رسیده، مردم ترجیح می‌دهند با شرایط بسازند ولی بار دیگر زیر سلطه حکام خودکامه و فاسد گرجستان نروند.

همزمان با ادامه فقر و تنگدستی، ثبات اجتماعی در کشورهای حوزه قفقاز با مخاطراتی روبه‌رو است. بین‌اترین منطقه گرجستان، منطقه ارمنی‌نشین جاواختی است که تنها کارفرمای آن مقرّ فرماندهی یک پایگاه بزرگ نظامی روسیه است. آذربایجان دارای اقلیت‌های قومی گسترده‌ای است: اقلیت لژی‌ها در مرزهای متشنج داغستان ساکن هستند، این منطقه چون بشکه‌ای از باروت است که در هر لحظه ممکن است با آغاز یک تیراندازی منفجر شود. روس‌ها در این آشفته‌بازار بی‌ثباتی هر آن در انتظار استفاده از فرصت‌ها هستند و هرگاه که بخواهند یا صلاح بدانند روشن کردن شعله‌های جنگ برایشان عملی است بسیار آسان، چراکه همه قرائن نشان از آبیستن بودن اوضاع برای انفجار دارد. برنامه‌های بلندمدت برای خروج کشورهای قفقاز از این نابسامانی‌ها باید همراه با سپردن حکومت به دولت‌های سامان یافته‌ای باشد که کشور را برای زیستن مردمانشان در آن‌ها آماده کنند و نه ترک آن. این وظیفه‌ای است بسیار سنگین. جمهوری‌های بالتیک را که کنار بگذاریم هیچ یک از جمهوری‌های سابق شوروی راه به جایی نبرده‌اند. دلیل عمده آن هم رهبران‌شان بوده‌اند. هیچ یک از رهبران

## همزمان با ادامه فقر و تنگدستی، ثبات اجتماعی در کشورهای حوزه قفقاز نیز به مخاطره افتاده است

کشورهای قفقاز سعی نکرده‌اند فرهنگ عمیق ملت‌های خود از قبیل فضیلت‌های مربوط به وفاداری به خانواده و میهمان‌نوازی و اصالت‌های قومی آنها را

درک کنند و همه علل نابسامانی را به گردن میراث‌های مانده از کمونیسم می‌اندازند. حکومت گسروهی از سرآمدان ثروتمند و بی‌خیال نسبت به سرنوشت ملت‌هایشان، آن چنان نمونه‌ای از ناشایستگی به ملت‌ها ارائه داده که هیچ یک از آحاد ملت آمادگی اطاعت از قانون و پرداخت مالیات به دولت را ندارد.

راه کوتاه مدت‌تر چیره شدن بر درگیری‌ها و نابسامانی‌های قفقاز وارد آمدن فشارهای خارجی است. روسیه می‌تواند یا سلاح اقتصادی از اهرم فشار استفاده کند. غرب می‌تواند با فشار بر

متحدها گرجی و آذربایجانی خود آنها را وادار به نشان دادن انعطاف بیشتری کند و ترکیه دست از تعصب‌های گذشته بردارد و مرزهای خود را به روی ارمنستان باز کند و آمریکا نیز از لجاجت‌های خود در گشودن باب مذاکره با ایران دست بردارد.

بعضی از ناظران معتقدند که غرب نه تنها به دنبال ثبات و زدودن فقر در قفقاز نیست بلکه به آن دامن می‌زند زیرا برای حفظ منافع خود و غارت ذخایر نفتی این منطقه، بودن حکومت‌های ناتوان و فاسد را بر حکومت‌های دمکراتیک نیرومند که به احتمال زیاد سهم بیشتری از منابع خود را طلب خواهند کرد، ترجیح می‌دهد. به همین دلیل از نظر ناظران بی‌طرف تا این لحظه سیاست‌های غرب و به ویژه آمریکا در قفقاز به دلیل بی‌اعتمادی مردم به صداقت آنها، با موفقیت روبه‌رو نبوده است.

مأخذ: مجله اکونومیست - ۱۹ اوت ۲۰۰۰

برگردان از بخش ترجمه «گزارش»



www  
E-mail  
FTP, Telnet  
Real Audio / Video

# اینترنت ایران سیستم

پست الکترونیک  
iran@iranpost.com

شماره ۰۲۱۸۸۸۸۸  
۲۲۲۲۸۸۷